

# حدود آزادی در نظام اسلامی

## از دیدگاه امام خمینی

□ رمضان اکبری مالستان

مقدمه

پرسش اصلی در این پژوهش این است که در نظام حکومتی اسلام افراد آزادی دارند یا ندارند؟ اگر آزادی دارند آیا این آزادی مطلق است یا محدودی دارد و حدود آن چیست؟ حدود آزادی قانون است یا اراده و خواست حاکمان؟ دیدگاه امام خمینی به عنوان بنیانگذار نظام اسلامی در این زمینه چیست؟

آزادی همزاد با انسان و مورد علاقه او بوده و هر انسانی در هر دوره و عصری خواهان آزادی است، چون آزادی مربوط به اراده انسان است و اراده هیچگاه از او جدا نیست.

در مکتب انبیاء به ویژه اسلام، آزادی مورد تاکید بیشتر قرار گرفته و یکی از اهداف بعثت پیامبر اسلام، آزادی مردم از اسارت بت و طاغوت و خرافات شمرده شده است. اما در جهان معاصر، واژه آزادی بیشتر بر سر زبانها افتاده و هر نظام و حاکمی رفتار خود را در سطح ملی و فراملی آزادی و آزادیخواهی نام نهاده و از آزادی توده‌ها دم می‌زند. از واژه آزادی برداشت‌های متفاوت صورت گرفته است، از این رو ابتدا باید مفهوم آزادی روشن گردد، آنگاه جایگاه آزادی در اسلام و سپس انواع آزادی و محدودیت‌های آن در نظام اسلامی از نگاه امام خمینی مورد بررسی قرار گیرد.



## مفهوم آزادی

واژه آزادی در عرب با لفظ حریت و حر بکار رفته است و عرب زبانان آن را به معنای نفی سیطره غیر، نفی رقیت و نفی هرگونه تقید و خارج بودن از رقیت دیگران گرفته‌اند. (تعرفات، ص ۷۰؛ الحرة الفكرة و الساسة، ص ۳۱) در فارسی، طبق "فرهنگ معین" آزادی عبارت است از «آزادگی، آزاده بودن، رهایی، خلاصی، استراحت، آرامش و...»

امام خمینی برای آزادی تعریف مستقل بیان نکرده است. ایشان مفهوم آزادی را برای همگان روشن می‌داند که نیاز به تعریف ندارد. امام با ذکر مصادیق و حدود آزادی کوشیده است در هر مورد، مفهوم آزادی را بیان نماید. وقتی از ایشان درباره مفهوم آزادی سؤال شد، فرموده است:

«آزادی یک مسئله‌ای نیست که تعریف داشته باشد. مردم عقیده شان آزاد است. کسی الزام‌شان نمی‌کند که شما باید حتماً این عقیده را داشته باشید. کسی الزام به شما نمی‌کند که حتماً باید این راه را بروید. کسی الزام به شما نمی‌کند که باید این را انتخاب کنید. کسی الزامتان نمی‌کند که در کجا مسکن داشته باشید... چه شغلی را انتخاب کنید. آزادی یک چیز واضحی است.»

(صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۹۴-۹۵)

حضرت امام آزادی را یک امر فطری و نعمت الهی می‌داند که خداوند به مردم ارزانی داشته است:

«یکی از بنیادهای اسلام آزادی است. انسان واقعی، ملت مسلمان، فطرتاً یک انسان آزاد شده است.»

(همان، ج ۴، ص ۲۴۲)

«آزادی مال مردم هست، قانون آزادی داده، خدا آزادی داده به مردم، اسلام آزادی داده، قانون اساسی آزادی داده به مردم.»

(همان، ج ۳، ص ۴۰۶)

«آزادی بهترین نعمتی است که خدا برای بشر قرار داده.»

(همان، ج ۷، ص ۳۶۷)

بنابراین امام خمینی آزادی را در راستای فضیلت‌ها و ارزشهای معنوی بررسی نموده، برای آن جنبه فطری و الهی قایل است و تمام ابعاد آن را مورد عنایت اسلام می‌داند.

از نظر اندیشه مندان اسلامی، آزادی به دو نوع معنوی و اجتماعی تقسیم می‌گردد که آزادی

اجتماعی بدون آزادی معنوی دست یافتنی نیست. آزادی معنوی، آزادی از قید هوی و هوس و علایق مادی است که باطن انسان آزاد باشد. آزادی اجتماعی آن است که انسان فضای رشد و تکامل داشته، افراد دیگر مانع از استیفای حقوق او نباشند و انسان از قید و بند دیگران آزاد باشد. (آزادی از نگاه شهید مطهری، ص ۲۱ و ۴۱)

ازسوی دیگر آزادی دارای وجه فلسفی، اخلاقی، عرفانی و حقوقی است. آزادی فلسفی به معنای اختیار در برابر جبر است که آدمیان به صرف انسان بودن واجد آن هستند و هیچ قدرتی نمی تواند آن را سلب کند. آزادی عرفانی به معنای وارستگی از هر چیز جز خدای متعال است. آزادی اخلاقی به معنای رهایی عقل از سلطه غرایز و شهوات است که همان آزادی معنوی است. آزادی حقوقی همان آزادی اجتماعی است و در این قسم آزادی بحث در این است که حکومت و قانون تا چه حد می تواند آزادی افراد را محدود نماید. (در آمدی بر حقوق اسلام، ص ۲۵۰؛ حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۱، ص ۱۹۶) در این نوشتار، آزادی به عنوان یک حق مورد نظر است که از دیدگاه امام خمینی در نظام اسلامی چه محدودیت‌هایی برای آن وجود دارد.

## آزادی در اسلام

پس از روشن شدن مفهوم آزادی باید دید آزادی در اسلام از چه جایگاهی برخوردار است. البته این نکته قابل تذکر است که به طور کلی سه دیدگاه در باره آزادی وجود دارد. یکی طرفدار آزادی بوده، آزادی را حق طبیعی انسان می داند که طبیعت انسان را آزاد آفریده و محدود کردن آزادی، استعدادها را کاهش می دهد. از این گروه می توان از ژان ژاک روسو، جان لاک، و جان-استوارت میل، نام برد. (مقدمه ای بر قرار داد اجتماعی، ص ۱۶) دیدگاه دوم مخالف آزادی بوده و طبیعت انسان را وحشی و گرگ صفت دانسته، طرفدار زور و اجبار است. ماکیاولی استفاده از زور و تزویر را جایز می دانست و برای حکومت حق هرگونه اعمال قدرت را در جهت محدود کردن انسانها قایل بود. هابز در انگلستان و ژان بدن در فرانسه دیدگاه ماکیاولی را تایید نمودند. (آزادی فرد و قدرت دولت، ص ۱۶۱) دیدگاه سوم اسلام است که از نظر این مکتب، انسان اشرف مخلوقات، جانشین و



□ امام خمینی، آزادی را یک امر فطری و نعمت الهی می‌داند که خداوند به مردم ارزانی داشته است

□ از نظر اندیشه‌مندان اسلامی، آزادی به دو نوع معنوی و اجتماعی تقسیم می‌گردد که آزادی اجتماعی بدون آزادی معنوی دست‌یافتنی نیست

مانت‌دار خداوند، دارای فضایل و کمالات متعالی است که یکی از این فضایل نعمت ارزشمند آزادی است.

از نظر اسلام انسان بندگی خدا را می‌پذیرد و از عبودیت و رقیبیت غیر خدا آزاد است. اسلام آمده تا زنجیرهای سنگین اجتماعی و باطنی را از دست و پای انسان بردارد و انسان را از بردگی بت و طاغوت و خرافات رها سازد: «ویضع عنهم اصرهم و الاغلال التي كانت علیهم» (اعراف/ ۱۵۷)

آیه ۶۴ سوره آل عمران پیامی زیبا دارد: «قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمه سواء بیننا و بینکم ان لا نعبد الا الله و لا نشکرک به شیئا و لا یتخذ بعضنا بعضا اربابا من دون الله». در واقع این آیه، دو پیام دارد: یکی پذیرفتن عبودیت خداوند، دوم نفی سلطه و سیادت دیگران بر انسان. عبودیت انسان برای خدا و نفی عبودیت و ربوبیت غیر خدا همه را در یک سطح قرار می‌دهد و هیچ کس حق سلطه بر دیگری را ندارد. بدین ترتیب آزادی در اسلام از بندگی خالص خداوند آغاز گردیده، به آزادی از هر نوع عبودیت و بندگی ذلت‌بار منتهی می‌شود. (مدرسه الاسلامه، ص ۸۵)

حضرت امیر(ع) فرموده: ولاتکن عبد غیرک و قد جعلک الله حرا. (نهج البلاغه، نامه ۳۱) (بسنده و برده غیر مباش در حالیکه خداوند تو را آزاد آفریده). بنابراین اسلام پیام آور و بنیانگذار آزادی

انسان است. علامه طباطبایی در المیزان می گوید: عده‌ای خیال می کردند آزادی و دموکراسی و حقوق بشر را غربیان برای انسان به ارمغان آورده‌اند، در حالیکه اسلام پیش از دیگران در هزار و چهارصدسال پیش، با معارف قوی خود این امور را به بشریت عرضه نموده است، ولی غرب با تبلیغات نادرست خود به جوامع و ملت‌ها تلقین کرد که حقوق بشر را آنان آورده‌اند. (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۵۰۶)

از نظر امام خمینی آزادی از برکات اسلام و یکی از بنیادهای اسلام است:  
«برکت اسلام است که این آزادی الآن هست. به برکت اسلام بود که بعد از انقلاب همچو آزاد کردند همه را...»

(صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۴۳۱)

جایگاه آزادی در اسلام بیش از هر مکتب و نظام دیگر برجسته است. اسلام در این جهت پیش‌آهنگ است و درباره آزادی طرح‌های اساسی و حیات بخش دارد. هدف اسلام، شکستن زنجیرهای اسارت و بندگی غیر خدا از دست و پای انسان است.

### محدودیت‌های آزادی

آزادی یک موهبت الهی است که هیچ شخص حقیقی و حقوقی حق ندارد این نعمت خدا دادی را سلب و یا محدود کند. از سوی دیگر انسان موجودی اجتماعی است که نیاز به تعاون و مشارکت با دیگران دارد تا مشکلات خود را برطرف نماید. از این رو ناچار است در حدود مقررات و قوانین مدنی از آزادی خود بکاهد. زیرا اگر همه افراد جامعه آزادی مطلق داشته، اراده آنها تابع هیچگونه مقرراتی نباشد، اساس زندگی اجتماعی به هم می‌ریزد و هرج و مرج جامعه را فرا می‌گیرد. از این لحاظ انسان مجبور می‌شود آزادی خود را محدود سازد. البته آزادی مطلق در هیچ جامعه امکان ندارد و اصلاً آزادی مطلق با وجود اجتماع قابل جمع نیست. تفاوتی که میان نظام‌های مختلف وجود دارد در تعیین حدود آزادی نسبی است.

در تمدن جدید بویژه در غرب، اساس زندگی بر حداکثر بهره برداری از منافع مادی و ارضای حداکثر خواست فردی استوار است. تمام افراد از قید معارف و عقاید دینی و اصول اخلاقی آزادند



□ حضرت امیر(ع) فرموده: بنده و برده غیر مباش درحالیکه خداوند تو را آزاد آفریده است

□ از نظر اسلام، انسان بندگی خدا را می‌پذیرد و از عبودیت و رقیبت غیر خدا آزاد است. اسلام آمده تا زنجیرهای سنگین اجتماعی و باطنی را از دست و پای انسان بردارد و انسان را از بردگی بت و طاغوت و خرافات رها سازد

و هر عملی که مایل باشند مجازند انجام دهند به شرط اینکه با قوانین موضوعه مخالفت نداشته باشد. این نوع آزادی، روح انسانیت و ملکات فاضله را در انسان نابود کرده، نهایتاً او را تا سرحد حیوانات تنزل می‌دهد و از تکامل باز می‌دارد. در غرب حدود آزادی افراد، آزادی دیگران است. (بحوث اسلامی، ص ۲۰۲)

اما اسلام بعد از آنکه آزادی انسان از قید شهوات، اصنام و طاغوت‌ها را مورد تاکید قرار می‌دهد، او را آزاد می‌گذارد که هر چه می‌خواهد انجام دهد فقط از حدود الهی خارج نشود و اوامر و نواهی او را در نظر بگیرد. اسلام اساس تعلیمات خود را در مرحله اول بر توحید و در مرحله دوم بر ملکات اخلاق فاضله قرار داده و برای تمام رفتارهای فردی و اجتماعی انسان دستورات و حدودی قایل شده است. بنابراین آزادی که در غرب و تمدن جدید مطرح شده در اسلام پذیرفته نیست، بلکه حدود دیگری برای آن در نظر گرفته شده است. ولی در مقابل، یک نوع آزادی برای انسان قایل شده است که دنیای وسیعی را در برابر او می‌گشاید و آن آزادی از قید بندگی غیر خداست. این آزادی دامنه وسیع دارد و بسیاری از قید و بندهایی را که در دنیای غرب وجود دارد، از دست و پای بشر باز می‌کند، یعنی هرملت را از سلطه و سیادت سایر ملل آزاد ساخته و هر گروه

و طبقه اجتماعی را از بند رقیّت سایر طبقات رهایی می بخشد و تمام افراد جامعه‌های قوی و ضعیف و نژادهای گوناگون را به صورت برابر از آزادی بهره‌مند می سازد. (المیزان، ج ۴، ص ۱۸۵)

امام خمینی نیز آزادی را در پناه اسلام و در حدود قانون محترم شمرده و آزادی را یک هدیه قرآنی می‌داند:

«شما بدانید که با اسلام می‌توانید مستقل باشید و با اسلام می‌توانید آزاد باشید. قرآن شما را آزاد قرار داده است و قرآن استقلال شما را بیمه کرده است.»

(صحیفه امام، ج ۷، ص ۲۴)

«قرآن‌کریمی که آزادی و استقلال را توصیه کرده است. ما همه تابع قرآن‌کریم و تابع موازین اسلام و قواعد اسلام هستیم.»

(همان، ج ۶، ص ۱۰۱)

«آزادی معنایش این نیست که بنشینید برخلاف اسلام صحبت کنید؛ آزادی در حدود قانون است. دین کشور ما اسلام است؛ آزادی در حدود این است که به اسلام ضرر نخورد. قانون اساسی ما دین را اسلام می‌داند.»

(همان، ج ۷، ص ۴۸۷)

از نظر امام خمینی، اسلام دین آزادی بخش است:

«اسلام اگر آن طور که هست، موفق بشویم که احکام آن را اجرا بکنیم، برای همه شما سعادت ایجاد می‌شود... اسلام دین آزادی و استقلال است. اسلام دینی است که همه کس به حقوق خودش می‌رسد و مراعات همه حقوق را می‌کند.»

(همان، ج ۶، ص ۵۲۶)

امام خمینی آزادی در اسلام را بسیار وسیع مطرح می‌کند:

«شما اگر چنانچه به احکام اسلام اعتقاد دارید، این احکام اسلام انسان را آزاد خلق کرده است و انسان را مسلط بر خودش و بر مالش و بر جانش و بر نوامیسش خلق فرموده است. امر فرموده است مسلط است انسان، آزاد است انسان، هر انسانی در مسکن آزاد است، در مشروب و ماکول - آنچه خلاف قوانین الهیه نباشد - آزاد است؛ در مشی آزاد است. حکم اسلام است که اگر کسی حمله برد به منزل کسی، برای آن کسی که مورد حمله واقع شده است جایز است کشتن او. اسلام اینقدر با آزادی‌ها موافق است.»

(همان، ج ۱، ص ۲۸۶-۲۸۷)

بنا بر این حدود آزادی در اسلام قانون الهی و احکام شریعت است که امام خمینی نیز روی

□ «شما باید بدانید که با اسلام می‌توانید مستقل باشید و با اسلام می‌توانید آزاد باشید. قرآن شما را آزاد قرار داده است و قرآن استقلال شما را بیمه کرده است»

□ جایگاه آزادی در اسلام بیش از هر مکتب و نظام دیگر برجسته است. اسلام در این جهت پیشاهنگ است و درباره آزادی طرح‌های اساسی و حیات بخش دارد. هدف اسلام، شکستن زنجیرهای اسارت و بندگی غیر خدا از دست و پای انسان است

آن تاکید نموده و آزادی را در محدوده قرآن و اسلام محترم می‌شمارد.  
آزادی اجتماعی که محدودیت می‌پذیرد و تمام نظام‌های اجتماعی برای آن محدودیت وضع کرده‌اند، دارای انواع مختلف است که در ادامه به بررسی آنها می‌پردازیم.

#### انواع آزادی و محدودیت‌های آن در اسلام

از آنچه تاکنون گفته شد روشن گردید که آزادی مطلق در هیچ نظام اجتماعی امکان پذیر نیست، هر ملت و جامعه‌ای برای ایجاد نظم، آزادی افراد را در چارچوب مقررات محدود می‌سازد. ولی این محدودیت در اسلام و نظام‌های دیگر متفاوت است. حدود آزادی در جوامع دیگر آزادی دیگران و قوانین موضوعه است، اما در اسلام حدود آزادی، احکام خداوند است. زیرا خداوند خالق بشر و آگاه به نیازهای مخلوقات خود می‌باشد و تنها او شایستگی وضع قانون را دارد.

#### ۱- آزادی تفکر

از امتیازات برجسته انسان، قدرت تفکر و اندیشه است که به تفکر مثبت و منفی تقسیم می‌گردد. تفکر مثبت و سازنده در نظام آفرینش و کشف حقایق و اسرار جهان می‌تواند انسان را به سوی پروردگار جهان رهنمون باشد و یا طبیعت را در خدمت آسایش و سعادت بشر قرار دهد و یا



تفکر در تاریخ و علوم گوناگون می‌تواند در مسیر شکوفایی فرهنگی و علمی جامعه نقش سازنده داشته باشد.

تفکر منفی آن است که برای مقاصد شیطانی و تسلط بر انسانها و ارضای تمایلات حیوانی بدون توجه به اصول و ارزشهای انسانی صورت گیرد که این نوع تفکر زیانبار است.

در جهان بینی اسلامی تفکر مثبت برترین عبادت شمرده می‌شود. در بیان امام علی(ع) آمده: «لاعبادة كالتفكير» (نهج البلاغه، حکمت/۵۴۰) اما تفکر زیانبار نکوهش گردیده و از آن نهی شده است. آزادی تفکر در اسلام به طور وسیع مورد تاکید قرار گرفته و مکرر به تعقل، تدبر و تفکر سفارش شده و از تفکر زیانبار نهی شده ولی این نهی از لحاظ اخلاقی است و از نظر حقوقی و قانونی محدودیت ندارد. حکومت و افراد جامعه نمی‌توانند فردی را از تفکر منفی باز دارند و یا او را مجازات کنند. البته تفکر در گناه، غیر از نقشه کشیدن و انجام آن است که محدودیت و منع قانونی دارد. (آزادی و دموکراسی در اسلام و لیبرالیسم، ص ۸۰)

شهید مطهری می‌گوید:

«آزادی تفکر ناشی از استعداد انسانی بشر است که می‌تواند در مسایل بیندیشد. این استعداد بشری باید آزاد باشد. هر مکتبی که به ایدئولوژی خود ایمان و اعتقاد داشته باشد، باید طرفدار آزادی اندیشه و تفکر باشد. به عکس هر مکتبی که ایمان و اعتمادی به خود ندارد، جلوی آزادی اندیشه و تفکر را می‌گیرد. این‌گونه مکاتب می‌خواهند مردم را در یک محدوده خاص فکری نگهدارند و از رشد افکارشان جلوگیری کنند. همان‌گونه که در کشورهای کمونیستی چنین است. در این کشورها به دلیل وحشتی که از آسیب پذیر بودن ایدئولوژی رسمی وجود دارد، حتی رادیوها طوری ساخته می‌شود که مردم نتوانند صدای کشورهای دیگر را بشنوند».

(پیرامون انقلاب اسلام، ص ۲۰۷)

البته انتشار تفکر انحرافی که منجر به نفاق و فساد در جامعه بشود، قطعاً جایز نیست. (المیزان، ج ۴، ص ۲۰۷) امام خمینی در ارتباط با آزادی تفکر و اندیشه تأکید جدی دارد و آن را شرط استقلال سیاسی و علمی می‌داند:

«ما اگر بخواهیم مستقل باشیم باید اول افکارمان را مستقل کنیم، یعنی از آزادی فکری [آغاز کنیم]... آزادی فکری این است که انسان در فکرش آزاد و بدون اینکه متمایل به یک طرف باشد فکر



کند، در مسایل علمی هم همین طور است».

(صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۱۸۰)

ازسوی دیگر هر نوع مخالفت با قانون و ارزشهای اسلامی را غیر قابل قبول می‌داند. معلوم می‌شود که انتشار و تبلیغ اندیشه‌های فاسد که به ضرر جامعه باشد ممنوع است.

«آزادی در حدود اسلام است در حدود قانون است؛ تخلف از قانون نشود به خیال اینکه آزادی است».

(همان، ج ۹، ص ۱۵۰)

بنابراین از نظر امام خمینی داشتن هر نوع تفکر و اندیشه آزاد است و آزادی اندیشه زمینه رشد فکری و استقلال سیاسی به حساب می‌آید.

## ۲- آزادی عقیده

عقیده گاهی از تفکر و اندیشه درست سرچشمه می‌گیرد، گاهی ناشی از عواطف، احساسات، تمایلات، عادات، تعصب و تقلید است که این‌گونه عقاید، دربند کردن و اسارت اندیشه بوده، زیانبارترین اثرات را برای جامعه در پی دارد مانند پرستش سنگ، حیوانات، ماه و ستاره و انواع بت و صنم. نمی‌توان گفت چنین عقایدی احترام دارد، بلکه باید کاری کرد که عقل و فکر انسان‌ها از اسارت این عقاید غیرمنطقی آزاد گردد، مانند کار حضرت ابراهیم (ع) که با شکستن بت‌ها، تبر را بردوش بت بزرگ گذاشت و فکر بت پرستان را از اسارت رها ساخت و از خواب تقلید و عادت نادرست نیاکان‌شان بیدار نمود. تمام انبیاء الهی برای آزادی بشر از بند خرافات و عقاید بی‌اساس اقدام نمودند، قرآن در باره پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «و یضع عنهم اصرهم و الاغلال التي كانت علیهم». (اعراف/ ۱۵۷)

عقیده و مذهب چون حق و باطل، درست و نادرست دارد، از نظر عقلی هر عقیده را نمی‌توان تأیید کرد. جهان‌بینی اسلامی که بر اصول عقلی استوار است عقاید و ادیان بشری را به حق و باطل تقسیم نموده و مردم را به آیین توحید فراخوانده و از عقاید غیر توحیدی بر حذر داشته است. ازسوی دیگر عقیده از صفات درونی بوده و نمی‌توان آن را از طریق اجبار بر کسی تحمیل

کرد، بلکه تنها فراهم کردن زمینه‌ها و رفع موانع امکان‌پذیر است. بنابراین ایمان و کفر از لحاظ تکوینی پیوسته آزادند اما از لحاظ تشریح دارای محدودیت است که ایمان مقبول است و کفر مردود.

در قرآن آزادی عقیده به روشنی بیان گردیده است. از نظر قرآن، انسان دارای کرامت و استعداد فوق‌العاده بوده و شایستگی رسیدن به مقامات مادی و معنوی عظیمی را دارد. او موجود انتخابگر و مختار است که در افعال و عقاید خود با شناخت و اراده تصمیم می‌گیرد، به همین جهت تحمیل عقیده بر او غیرممکن است. «لا اکراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی»، (بقره/۲۵۶) در پذیرش دین اکراه و اجبار در کار نیست، زیرا راه کمال و راه گمراهی به روشنی بیان گردیده، انسان خودش با تعقل یکی را برگزیند.

در آیه ۳ سوره انسان فرموده: «انا هدیناه السبیل اما شاکراً و اما کفوراً» (راه حق و سعادت برای بشر نشان داده شده خودش اختیار دارد که ایمان بیاورد یا کفر ورزد). همچنین در آیه ۲۹ سوره کهف آمده: «وقل الحق من ربکم فمن شاء فلیؤمن و من شاء فلیکفر» (بگو دین حق از سوی پروردگار شما است حالا هر که می‌خواهد ایمان بیاورد و هر که می‌خواهد کافر شود). باید این نکته را در نظر داشت که خداوند انسان را آزاد آفریده و در انتخاب هیچ دین و مذهبی مجبور نیست، اما تشریحاً موظف است دین حق را که خواسته فطرت پاک و الهی است بپذیرد، راه رشد و کمال و هدایت از بیراهه گمراهی و ضلالت متمایز گشته و هر انسان خواهان سعادت باید هدایت الهی را مغتنم شمرده و از طغیان و طاغوت دوری ورزد و به خداوند ایمان بیاورد. (المیزان، ج ۴، ص ۱۸۳/ اسلام و احتیاجات واقع هر عصر، ص ۱۰۱/ آزادی و دموکراسی در اسلام و لیبرالیسم، ص ۸۴/ درآمدی بر حقوق اسلامی، ج ۲، ص ۲۵۹-۲۶۰/ ولایت فقیه ولایت فقاقت و عدالت، ص ۳۰)

اسلام کسی را مجبور به پذیرفتن مکتب خود نمی‌کند بلکه اصول و پایه‌های آن را با دلایل روشن عقلی و از طریق وجدان فرد بیان می‌کند و سپس همگان را به پذیرش آن دعوت می‌کند. اسلام هرگز تفتیش عقاید را اجازه نمی‌دهد.

خداوند به پیامبر اسلام (ص) دستور داده که اهل کتاب را به آیین اسلام دعوت کند، اگر



آنان دعوت را بپذیرند هدایت خواهند شد و اگر نپذیرند پیامبر وظیفه ندارد که آنان را به پذیرش اسلام مجبور سازد، بلکه وظیفه ایشان ابلاغ پیام است: «قل للذین اوتوا الكتاب و الامیین ءاسلمتم فان اسلموا فقد اهتدوا و ان تولوا فانما علیک البلاغ و الله بصیر بالعباد». (آل عمران / ۲۰)

بنابراین اقلیت‌های دینی در حکومت اسلامی حق حیات دارند و تحت حمایت حکومت اسلامی از امنیت حقوقی و مدنی برخوردار می‌باشند و حکومت اسلامی و دیگر افراد جامعه حق ندارند آنان را به پذیرفتن اسلام مجبور کنند. (آزادی و دموکراسی در اسلام و لیبرالیسم، ص ۸۶ در آمدی بر حقوق اسلامی، ص ۲۶۶)

امام خمینی که بنیانگذار نظام اسلامی در جهان معاصر است و از وجود عقاید و مذاهب گوناگون آگاهی دارد، آزادی عقیده را به صراحت اعلام نموده و تحمیل عقیده را ممنوع دانسته است:

« ما هرگز نمی‌خواهیم ارزشهای اسلامی را بر غرب تحمیل کنیم. نه بر غرب و نه بر شرق، بر هیچ کس و هیچ‌جا اسلام تحمیل نمی‌شود. اسلام با تحمیل مخالف است. اسلام مکتب تحمیل نیست. اسلام آزادی را به تمام ابعادش ترویج کرده است. مافقط اسلام را ارائه می‌کنیم. هر کس خواست می‌پذیرد و هر کس نخواست نمی‌پذیرد.»

(صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۱۵۶-۱۵۷)

امام، در بیانی دیگر به آزادی عقیده تأکید ورزیده اما توطئه و سوء استفاده از آزادی عقاید را ممنوع اعلام کرده است:

«اما در جامعه‌ای که ما به فکر استقرار آن هستیم، مارکسیست‌ها در بیان مطالب خود آزاد خواهند بود؛ زیرا ما اطمینان داریم که اسلام در بر دارنده پاسخ به نیازهای مردم است. ایمان و اعتقاد ما قادر است که با ایدئولوژی آنها مقابله کند. در فلسفه اسلامی از همان ابتدا مسئله کسانی مطرح شده است که وجود خدا را انکار می‌کرده‌اند. ما هیچ‌گاه آزادی آنها را سلب نکرده و به آنها لطمه وارد نیاورده‌ایم. هرکس آزاد است که اظهار عقیده کند و برای توطئه کردن آزاد نیست.»  
(همان، ج ۳، ص ۳۷)

در باب آزادی عقیده فرموده است:

«مردم عقیده شان آزاد است. کسی الزام شان نمی‌کند که شما باید حتماً این عقیده را داشته باشید. کسی الزام به شما نمی‌کند که حتماً باید این راه را بروید.»  
(همان، ج ۱۰، ص ۹۴)

امام خمینی راجع به اقلیتهای دینی و مذهبی می‌گوید:

«دولت اسلامی یک دولت دموکراتیک به معنای واقعی است و برای همه اقلیتهای مذهبی آزادی به طور کامل هست و هرکس می‌تواند اظهار عقیده خودش را بکند. و اسلام جواب همه عقاید را به عهده دارد و دولت اسلامی تمام منطقتها را با منطق جواب خواهد داد.»

(همان، ج ۴، ص ۴۱۰)

در جای دیگر حقوق اقلیتهای مذهبی را محترم شمرده و اجرای آیین دینی و مذهبی آنان را مجاز دانسته است:

«تمام اقلیتهای مذهبی در ایران برای اجرای آداب دینی و اجتماعی خود آزادند و حکومت اسلامی، خود را موظف می‌داند تا از حقوق و امنیت آنان دفاع کند و آنان هم مثل سایر مردم مسلمان ایران، ایرانی و محترم هستند.»

(همان، ج ۴، ص ۴۴۱)

### ۳- آزادی بیان

آزادی بیان از حقوق فطری انسان است که خداوند به او ارزانی داشته: «الرحمن - خلق الانسان - علمه البيان» (۱-۴ الرحمن). اگرچه بیان برگفتار از طریق زبان اطلاق می‌گردد، ولی به نوشتار و



□ «مردم عقیده شان آزاد است. کسی الزام نمی کند که شما باید حتماً این عقیده را داشته باشید. کسی الزام به شما نمی کند که حتماً باید این راه را بروید.»

□ «اسلام اگر آن طور که هست، موفق بشویم که احکام آن را اجرا بکنیم، برای همه شما سعادت ایجاد می شود. اسلام دین آزادی و استقلال است، اسلام دینی است که همه کس به حقوق خودش می رسد و مراعات همه حقوق را می کند»

هر وسیله ای که یک ایده و عقیده و مقصود را ابراز نماید، بیان گفته می شود. از این رو خداوند به قلم سوگند یاد نموده است: «ن والقلم وما یسطرون». (قلم/۱) بیان می تواند حقایق و اندیشه های حق و مفید را ابراز نماید یا اندیشه های باطل و ناصواب را. در قرآن به قول استوار و نوشتار عادلانه توصیه شده و از مطالب انحرافی و گمراه کننده نهی شده است: «یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و قولوا قولاً سدیداً». (احزاب/۷۰) در آیه ۲۸۲ بقره فرموده: «ولیکتب بینکم کتاب بالعدل». در آیه دیگر از نوشتن مطالب انحرافی و نسبت دادن آن به خداوند نهی کرده: «فویل للذین یکتبون الکتاب بایدیهم ثم یقولون هذا من عندالله». (بقره/۷۹) بنابراین آزادی بیان در اسلام در چارچوب قانون و بارعایت اصول و معیارهای عقلی و شرعی، پذیرفته است. از آیه ۱۷ و ۱۸ زمر نیز آزادی بیان به روشنی استفاده می شود: «فبشرعباد الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه». بدیهی است که انتخاب و پیروی از بهترین گفتار در حالی امکان دارد که آزادی بیان وجود داشته باشد، تا در مقایسه با یکدیگر بهترین سخنان مشخص گردد. از سیره معصومین (ع) نیز آزادی بیان در برخورد با مخالفان و اجازه مناظره با آنان به خوبی دریافت می شود که در احتجاج طبرسی این مناظره ها به تفصیل آمده است.

اما سوء استفاده از آزادی و ایجاد فتنه در جامعه ممنوع است. چنانچه در زمان رسول

اکرم(ص) گروهی از منافقان مدینه دست به ساختن مسجد زدند تا در صفوف مسلمین تفرقه ایجاد کنند، پیامبر اسلام دستور داد این مسجد را که مسجد ضرار است خراب کنند. (المیزان، ج ۹، ص ۳۹۰) از اجرای مسجد ضرار به دست می آید که هرگونه سوء استفاده از مقدسات و ارزش‌های دینی در جهت اهداف شیطانی و نفسانی و ایجاد نفاق ممنوع است. (آزادی و دموکراسی در اسلام، ص ۸۶ و ۹۰؛ درآمدی بر حقوق اسلامی، ص ۲۷۲)

شهید مطهری در این رابطه تاکید دارد که: در نظام اسلامی باید همه آزاد باشند که حاصل اندیشه‌ها و تفکرات خود را عرضه نمایند، طرفداران اسلام گمان نکنند که راه دفاع از عقاید اسلامی جلوگیری از ابراز عقیده دیگران است، بلکه باید از اسلام با نیروی علم و آزادی دادن به افکار مخالف و برخورد صریح و روش علمی دفاع کرد. اما نباید آزادی فکر و ابراز عقیده را با آزادی اغفال و توطئه اشتباه کرد. نباید در پوشش اسلام مطالب انحرافی و گمراه کننده تبلیغ شود. (پیرامون انقلاب اسلامی، ص ۱۰-۱۲)

امام خمینی آزادی افراد را در نظام اسلامی در حدود قوانین مورد تاکید قرار داده و فرموده است:

«در هر مملکتی آزادی در حدود قوانین آن مملکت است. مردم آزاد نیستند که قانون را بشکنند، معنی آزادی این نیست که هرکس برخلاف قوانین ملت هرچه دلخواهش باشد، بگوید. قوانین ایران قوانین اسلام است. قوانین اسلام را باید ملاحظه کرد، در چهارچوب قوانین اسلام، در چهارچوب قانون اساسی، بیان آزاد و بحث آزاد است.»

(صحیفه امام، ج ۷، ص ۵۳۵-۵۳۶)

امام خمینی راجع به آزادی قلم که مظهر آزادی بیان است می گوید:

«قلمی آزاد است که توطئه‌گر نباشد. قلمی آزاد است، روزنامه‌ای آزاد است، که نخواهد این ملت را به عقب و به تباهی بکشد. این قلمها همان سرنیزه سابق است که می‌خواهند ملت را به تباهی بکشند.»

(همان، ج ۱۰، ص ۳۵۰)

از نظر امام خمینی اسلام حجت قوی دارد و از آزادی بیان نمی‌ترسد:

«آزادی آرا در اسلام از اول بوده است، در زمان ائمه ما (علیهم السلام) بلکه در زمان خود پیغمبر آزاد بود. حرفهایشان را می‌زدند. ما حجت داریم. کسی که حجت دارد از آزادی بیان



نمی‌ترسد لکن توطئه را اجازه نمی‌دهیم».

(همان، ج ۶، ص ۲۷۷)

وقتی از امام در باره حدود آزادی سوال شد جواب دادند:

«اگر مضر به حال ملت نباشد، بیان همه چیز آزاد است. چیزهایی آزاد نیست که مضر به حال ملت ما باشد... اگر مضر به حال ملت باشد جلوگیری می‌شود؛ اگر نباشد و فقط اظهار عقیده باشد مانعی ندارد».

(همان، ج ۵، ص ۵۲۰)

در باره روزنامه‌ها فرموده است:

«روزنامه‌هایی که مضر به حال ملت نباشد و روزنامه‌هایی که نوشته‌شان گمراه کننده نباشد، آزادند».

(همان، ص ۵۲۱)

اظهار مطالب انحرافی و گمراه کننده از نظر امام خمینی جایز نیست:

«در اسلام، دموکراسی مندرج است و مردم آزادند در اسلام، هم در بیان عقاید و هم در اعمال، مادامی که توطئه در کار نباشد و مسائلی را عنوان نکنند که نسل ایران را منحرف کنند».

(همان، ص ۴۶۸)

انحراف افکار و ایجاد فساد و توطئه در اجتماع از نظر امام خمینی حدود آزادی بیان شمرده می‌شود.

#### ۴- آزادی سیاسی

یکی از مهمترین انواع آزادی‌های اجتماعی، آزادی سیاسی است. آزادی سیاسی به طور عام شامل هرگونه فعالیتی است که برسرنوشت سیاسی جامعه تأثیرگذار باشد. مهمترین مصادیق آزادی سیاسی عبارتند از:

۱- آزادی انتخاب و حق رای درانتخاب حاکم و حکومت.

۲- آزادی تشکیل اجتماعات و احزاب.

۳- آزادی بیان که قبل ازاین بررسی گردید. (فرهنگ واژه ها، ص ۱۵)

آزادی احزاب و جمعیت‌ها دراسلام پذیرفته شده است. زیرا اسلام طرفدار رشد فکری



جامعه و تعاون و همکاری عمومی بوده و می‌خواهد مردم در سرنوشت خود دخالت داشته باشند. اسلام با تشویق بر تعاون در امور خیر و تقویت کننده تقوای فردی و اجتماعی که شامل تعاون حزبی هم می‌شود، برای این امر پایه‌ریزی نموده است. البته احزابی که در مسیر گناه و عدوان باشد نهی شده: «تعاونوا علی البر والتقوی و لاتعاونوا علی الاثم والعدوان». (مانده، ۳) سیره پیامبر اسلام (ص) نشان می‌دهد که آزادی احزاب و اجتماعات در راستای خیر و سعادت جامعه مورد عنایت است. در زمان جوانی رسول اکرم (ص) قبل از بعثت عده‌ای از جوانان غیرتمند مکه برای دفاع از مظلومان، پیمان حلف الفضول را تشکیل دادند که حضرت نیز عضو آن جمعیت بودند. (سیره ابن هشام، ج ۱۰، ص ۱۴۰ و ۱۴۲) از سیره حضرت علی (ع) به خوبی روشن می‌گردد که آزادی سیاسی در بعد آزادی بیان و آزادی احزاب و جمعیت‌ها در نظام اسلامی ممنوعیت ندارد و افراد می‌توانند برای مشارکت در امور سیاسی، اجتماعات و احزاب تشکیل دهند.

شهید مطهری در این رابطه می‌گوید: نظام سیاسی و اجتماعی اسلام بر اساس احترام به آزادی‌های اجتماعی است. اسلام اعلام آزادی کرد، دیگران هم در دنیا اعلام آزادی کردند. شما در عمل ببینید اسلام چه موفقیت‌هایی پیدا کرد، آنها چه موفقیت‌های پیدا کردند. ما اگر تنها زندگی پیغمبر (ص) را و زندگی علی (ع) بن ابیطالب (ع) را، حتی زندگی خلفا را تا مدتی که روی سیره و سنت پیغمبر (ص) رفتار می‌کردند، مقیاس قرار بدهیم می‌بینیم اسلام چه قدر در این زمینه موفقیت داشته است و آنها چه قدر ناکام بوده‌اند؛ همین حکومت پنج ساله علی (ع) حقیقتاً عجیب است. علی (ع) از باب اینکه واقعا بنده خدا بود و از حکومت و هر قوه‌ای غیر از خدا آزاد بود، آزادخواه و آزادی بخش بود. ما می‌دانیم در دوره حکومت علی (ع) عده‌ای بودند که از بیعت کردن با علی (ع) تمرد کردند و حاضر نشدند با علی (ع) بیعت کنند از قبیل زید بن ثابت، اسامه بن زید، سعد بن ابی وقاص، ازاول باعلی (ع) بیعت نکردند... ولی علی (ع) با اینها چه کرد؟ گفت اختیار باخودشان، می‌خواهند بیعت کنند می‌خواهند بیعت نکنند. آیا مزاحم اینها شد؟ نه. مجبورشان کرد که حتماً باید بیعت کنید؟ نه. سهمیه اینها را از بیت المال قطع کرد؟ نه. امنیت جانی اینها را از بین برد؟ نه. خودش حافظ جان و مال اینها شد، البته در حدودی که مشروع بود. از اینها بالاتر خوارچ

□ شهید مطهری می گوید: نظام سیاسی و اجتماعی اسلام بر اساس احترام به آزادیهای اجتماعی است

□ اسلام کسی را مجبور به پذیرفتن مکتب خود نمی کند بلکه اصول و پایه های آن را بادلایل روشن عقلی و از طریق وجدان فرد بیان می کند و سپس همگان را به پذیرش آن دعوت می کند. اسلام هرگز تفتیش عقاید را اجازه نمی دهد

بودند. خوارج رسماً باغی بودند، به این معنا که حکومت علی (ع) را بعد از آنکه با علی (ع) بیعت کرده بودند رد کردند، گفتند ما علی (ع) را قبول نداریم، نه تنها رد کردند علی (ع) را تکفیر کردند... با اینها چه کرد؟ تاوقتی اینها مزاحم دیگران نمی شدند و فقط عقیده خودشان را اظهار و تبلیغ می کردند و به صحبت و سخن گفتن می پرداختند، علی (ع) مزاحم شان نشد، ولی از آن ساعتی که از این آزادی خودشان سوءاستفاده کردند مزاحم دیگران شدند، اسباب زحمت ایجاد کردند رسماً به عنوان باغی از کوفه سپاه بیرون بردند برای اینکه اخلاص بکنند و امنیت را برهم بزنند علی (ع) سراغ اینها آمد.» (مجموعه آثار، ج ۲۵، ص ۱۳۹-۱۴۰)

از نگاه امام خمینی آزادی احزاب و اجتماعات مورد تایید قرار گرفته، احزاب و انجمن ها آزادند به شرط اینکه مصالح جامعه و احکام اسلامی را زیر پا نگذارند. ایشان حتی احزاب مارکسیستی را آزاد اعلام می کند:

«اما در جامعه ای که ما به فکر استقرار آن هستیم، مارکسیستها در بیان مطالب خود آزاد خواهند بود؛ زیرا ما اطمینان داریم که اسلام در بر دارنده پاسخ به نیازهای مردم است. ایمان و اعتقاد ما قادر است که با ایدئولوژی آنها مقابله کند.»

(صحیفه امام، ج ۳، ص ۳۷۱)

در بیان دیگر تاکید دارد که فعالیت احزاب آزاد است فقط مقررات اسلامی و مصالح جامعه آن را محدود می کند:

«مطبوعات در نشر همه حقایق و واقعیات آزادند. هرگونه اجتماعات و احزاب از طرف مردم در صورتی که مصالح مردم را به خطر نیندازند آزادند و اسلام در تمامی این شئون حد و مرز آن را تعیین کرده است.»

(همان، ج ۴، ص ۲۶۶)

اما حق انتخاب و انتخاب شدن نیز در نظام اسلامی برای افراد در نظر گرفته شده و طبق مکانیزم خاص صورت می گیرد. از نظر اسلام منشاء حاکمیت خداوند است، زیرا او خالق تکوین و تشریح است و هم او برای انسان حق تعیین سرنوشت قرار داده است. حاکمیت در اسلام به گونه ای است که نه مردم از حق تعیین سرنوشت و حق انتخاب محروم اند و نه اینکه طبق دلبخواه هر کس را چه صالح و چه ناصالح باشد انتخاب کنند. بدین معنا که شرایط رهبری از سوی شریعت مشخص گردیده و مردم باید در انتخاب رهبر و حاکم این حدود را دقیقاً رعایت نمایند. از شرایط رهبری در اسلام می توان به تقوا، عدالت، آگاهی سیاسی، فقاقت در حد اجتهاد اشاره نمود. مردم به صورت مستقیم یا غیر مستقیم به یکی از فقهای که واجد شرایط رهبری باشند رای می دهند. (آزادی و دموکراسی در اسلام و لیبرالیسم، ص ۱۱۱/ در آمدی بر حقوق اسلامی، ص ۲۶۶) در قرآن نیز به نظر مردم توجه شده و مشورت با مردم را سفارش نموده: «و شاورهم فی الامر». (آل عمران/ ۱۵۹) یا اینکه فرموده: «و امرهم شوری بینهم». (شوری/ ۳۸) مشورت با مردم در شرایط حاضر تنها از طریق انتخابات و نظر خواهی ممکن است.

در زمان معصوم (ع) هم بدون بیعت مردم حکومت شکل نمی گرفت. حضرت علی (ع) در عالم ثبوت امام و جانشین پیغمبر (ص) بود اما تازمانی که مردم بیعت نکردند حکومت را به دست نگرفت. بدین ترتیب آزادی سیاسی در نظام اسلامی به شکل برجسته آن در محدوده احکام شرع پذیرفته شده است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصل ۱۰۷ تصریح دارد که تعیین رهبر بر عهده خبرگان منتخب مردم است. (آشنایی با قانون اساسی، ج ۱، ص ۲۶۶) دیده می شود که خبرگان با رای مستقیم مردم انتخاب می شوند و آنان که به شرایط رهبری از نظر اسلام بیشتر از مردم شناخت دارند، از میان واجدین شرایط یکی را طبق مقررات قانونی برمی گزینند. این است که مردم در انتخاب



حاکم اسلامی مشارکت دارند و این یک نوع آزادی سیاسی است.

انتخاب مسئولان اجرایی و نمایندگان قوه مقننه حق مسلم مردم است و مردم وظیفه دارند سراغ افرادی بروند که علاوه بر وثاقت و لیاقت از تعهد دینی نیز بهره مند باشند. (درآمدی بر حقوق اسلامی، ص ۲۶۶)

امام خمینی نیز به آزادی سیاسی و حق انتخاب و ارزش رأی مردم اهمیت ویژه قایل است. احترام گذاشتن به رای مردم را مورد تاکید جدی قرار داده است:

«میزان: رأی ملت است. ملت یک وقت خودش رای می‌دهد. یک وقت یک عده‌ای را تعیین می‌کند که آنها رای بدهند، آن در مرتبه دوم صحیح است. و الا مرتبه اول حق مال خود ملت است. شما خون دادید، حقوقدانان برای شما تکلیف معین کنند؟ خودتان باید تکلیف معین کنید. شما باید، همین ملت، همین مردم محروم دانشگاه، جوانهای محروم دانشگاه، همین جوانهای محروم مدرسه فیضیه، همین جوانهای محروم در ارتش، همین جوانهای محروم در بازار، همین جوانهای محروم در کارخانه‌ها و در کشاورزی، اینها باید رأی بدهند. بهانه‌ها را کنار بگذارید؛ از خدا بترسید؛ با ملت شوخی نکنید؛ رأی مردم را هیچ حساب نکنید؛ مردم را به حساب بیاورید.»

(صحیفه امام، ج ۸، ص ۱۷۳-۱۷۴)

راجع به آزاد بودن انتخابات فرموده است:

«یکی از مهمترین وظایف اولیه جمعی که پس از سقوط شاه مسئولیت امور را به دست می‌گیرند، فراهم کردن شرایط انتخابات آزاد است که به هیچ وجه اعمال قدرت و نفوذ از هیچ طبقه و گروهی در انتخابات نباشد.»

(همان، ج ۵، ص ۳۸۲)

از نظر امام خمینی نظام اسلامی متکی به آرای ملت و موازین اسلامی است و رأی مردم در آن نقش برجسته دارد:

«ما جمهوری اسلامی را اعلام کرده‌ایم و ملت با راهپیماییهای مکرر به آن رأی داده است. حکومتی است متکی به آرای ملت و مبتنی بر قواعد و موازین اسلامی.»

(همان، ص ۳۹۱)

امام خمینی هرگونه تحمیل و فشار و دخالت در آرای مردم را جایز ندانسته و بر آزادی رأی تاکید فرموده است:

«همان طور که بارها گفته‌ام، مردم در انتخابات آزادند و احتیاج به قیم ندارند، و هیچ فرد و

یا گروه و دسته‌ای حق تحمیل فرد و یا افرادی را به مردم ندارند. جامعه اسلامی ایران، که با درایت و رشد سیاسی خود جمهوری اسلامی و ارزشهای والای آن و حاکمیت قوانین خدا را پذیرفته‌اند و به این بیعت و پیمان بزرگ وفادار مانده‌اند مسلم قدرت تشخیص و انتخاب کاندیدای اصلح را دارند».

(همان، ج ۲۱، ص ۱۰)

بنابراین آزادی سیاسی و حق انتخاب کردن و رای دادن آزاد از دیدگاه امام خمینی مورد توجه جدی بوده و روی اهمیت رأی آزادانه مردم تاکید فراوان نموده است.

## ۵ - آزادی‌های مدنی

آزادی‌های مدنی شامل آزادی در انتخاب مسکن و محل اقامت، آزادی در انتخاب شغل و آزادی در تملک اموال منقول و غیر منقول می‌شود. در اعلامیه جهانی حقوق بشر بند ۱ ماده ۱۳ تصریح شده که هر کس آزادانه محل اقامت خود را برگزیند. در اسلام نیز این حق محترم شمرده شده و رسول اکرم (ص) فرموده اند: «البلاد بلاد الله والعباد عباد الله فحيثما اصبحت خيرا فاقم». (همه سرزمین‌ها متعلق به خداست و بندگان نیز بندگان اویند، پس هر کجا موجب خیر و سعادت شما است اقامت کنید). (نهج الفصاحه، ص ۲۲۳) در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصل ۳۳، تبعید از محل اقامت و یا منع از اقامت در محل مورد علاقه و یا اجبار به اقامت در محل را مگر در موارد قانونی، ممنوع اعلام نموده است.

آزادی مشاغل و کسب نیز از دیدگاه اسلام محترم شمرده شده و خداوند در زمین منابع کسب و تغذیه را قرار داده: «ولقد مکنناکم فی الارض و جعلنا لکم فیها معاش». (اعراف/۱۰) ما شما را در روی زمین توانایی داده و در آن برای شما روزی قرار دادیم. رسول اکرم (ص) فرموده: «العباده سبعون جزءا افضلها طلب الحلال». (وسائل الشیعه، ج ۱۱) یعنی (عبادت هفتاد بخش دارد، برترین آنها بدست آوردن روزی حلال است). اما از اشتغال به برخی مشاغل مانند معامله شراب، مواد مخدر، اعیان نجسه، آلات قمار، لهو و لعب و... نهی شده است.

آزادی در تملک اموال نیز از نظر اسلام محترم شمرده شده است. هرگاه کسی مال را



□ «همان‌طور که بارها گفته‌ام، مردم در انتخابات آزادند و احتیاج به قیم ندارند و هیچ فرد یا گروه و دسته‌ای حق تحمیل فرد و یا افرادی را به مردم ندارند»

□ «میزان؛ رای ملت است. ملت یک وقت خودش رای می‌دهد. یک وقت یک عده‌ای را تعیین می‌کند که آنها رای بدهند، آن در مرتبه دوم صحیح است. و الا مرتبه اول حق مال خود ملت است»

از مجاری صحیح به دست آورد، متعلق به همان شخص است و کسی حق تصرف در آن را ندارد قرآن فرموده: «لررجال نصیب مما اكتسبوا و للنساء نصیب مما اكتسبن». (نساء/۳۲) برای مردان از آنچه کسب کرده‌اند بهره‌ای است و برای زنان نیز از آنچه کسب کرده‌اند بهره‌ای است. امام خمینی در این زمینه نیز عنایت داشته و آزادی‌های مدنی افراد را مورد توجه قرار داده است:

«آزادی یک مسئله‌ای نیست که تعریف داشته باشد. مردم عقیده شان آزاد است. کسی الزامش نمی‌کند که شما باید حتماً این عقیده را داشته باشید. کسی الزام به شما نمی‌کند که حتماً باید این راه را بروید. کسی الزام به شما نمی‌کند که باید این را انتخاب کنید. کسی الزامتان نمی‌کند که در کجا مسکن داشته باشید، یا در آنجا چه شغلی را انتخاب کنید. آزادی یک چیزی واضحی است.»

(صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۹۴-۹۵)

در این کلام امام به آزادی مسکن و آزادی شغل تاکید شده که هر کس در انتخاب محل سکونت و انتخاب شغل و کسب آزاد است. هیچ کسی حق ندارد این آزادیها را از افراد سلب و یا محدود کند.

## نتیجه

باتوجه به جامعیت اسلام و تکیه بر اصل توحید و گسترش عدالت و آزادی در جامعه، در نظام اسلامی هر نوع آزادی برای افراد محترم شمرده شده و در حد معقول مورد توجه قرار گرفته است، منتهی به لحاظ طبیعت زندگی اجتماعی، آزادی مطلق در هیچ نظام اجتماعی امکان‌پذیر نیست، از این رو آزادی‌ها باید در حدود قانون باشد. تفاوت نظام اسلامی با دیگران در این است که اسلام انسان را از هر گونه قید و اسارت معنوی و اجتماعی آزاد نموده، تنها به رعایت احکام الهی ملزم می‌کند. اما در نظام‌های دیگر، قوانین موضوعه آزادی‌ها را محدود می‌کند که زاییده فکر بشر است.

از نظر امام خمینی آزادی مفهوم روشن داشته و نیاز به تعریف ندارد. آزادی در نظام اسلامی محترم است و در حدود قانون الهی محدود می‌گردد. افراد در نظام اسلامی از تمام آزادی‌های سیاسی، اعتقادی، اندیشه، بیان و مدنی برخوردارند. حدود آزادی، احکام اسلامی و مصالح اجتماع و قوانین کشور است. در غیر این صورت هیچ کس حق ندارد آزادی افراد را سلب و یا محدود نماید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع:

- ۱- قرآن کریم
- ۲- موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، صحیفه امام: مجموعه آثار (دوره بیست و دو جلدی)، تهران، ۱۳۸۵.
- ۳- مرتضی مطهری، مجموعه آثار، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۸۸.
- ۴- مرتضی مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی، قم: انتشارات صدرا، ۱۳۷۸.



- ۵ - سید شریف جرجانی، تعریفات، دار احیاء التراث، بیروت، ۲۰۰۳، چاپ اول
- ۶ - محمد باقر صدر، مدرسه الاسلامیه، دارالتعارف، بیروت، ۱۴۱۰.
- ۷ - ---، بحوث اسلامیة، دارالزهراء، بیروت، ۲۰۰۶، چاپ اول
- ۸ - عبدالرسول بیات، فرهنگ واژه‌ها، موسسه اندیشه و فرهنگ دینی، ۱۳۸۱، چاپ دوم
- ۹ - درآمدی بر حقوق اسلامی، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۶
- ۱۰ - سید محمود هاشمی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر داد گستر، ۱۳۷۹
- ۱۱ - ژان ژاک روسو، مقدمه بر قرار داد اجتماعی، زیرک زاده، تهران: انتشارات چهره، ۱۳۸۵، چاپ ششم
- ۱۲ - جان استوارت میل، رساله درباره آزادی، جواد شیخ الاسلامی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۸۳
- ۱۳ - محمود صنایعی، آزادی فرد و قدرت دولت، تهران: نشر سخن، ۱۳۳۸.
- ۱۴ - محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۶، چاپ ۲۲
- ۱۵ - ---، اسلام و احتیاجات واقعی هر عصر، تهران: انتشارات محمدی، بی‌تا.
- ۱۶ - علی ربانی گلپایگانی، آزادی و دموکراسی در اسلام و لیبرالیسم، قم: موسسه آموزش مذاهب اسلامی، ۱۳۸۲
- ۱۷ - عبدالله جوادی آملی، ولایت فقیه و ولایت فقاها و عدالت، قم: نشر اسراء، ۱۳۷۹، چاپ دوم
- ۱۸ - محمد جواد صفار، آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: آموزش مدیریت دولتی، چاپ پانزدهم
- ۱۹ - شیخ حر عاملی، وسایل الشیعه، تهران: مکتبه الاسلامیه
- ۲۰ - نهج الفصاحه، سخنان حضرت محمد (ص)
- ۲۱ - آزادی در اندیشه امام خمینی، تبیان، دفتر بیست و هفتم، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۶، چاپ سوم

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی